

دبیرستان نمونه دولتی سعادت - تیزهوشان و حاج حسین



الدَّرْسُ الثَّالِثُ

﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ

بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمٌّ أَمْثَالِكُمْ﴾ [الأنعام: ٣٨]

و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست و نه هیچ پرنده‌ای که با بال‌هایش پرواز می‌کند، مگر آنکه آنها [نیز] گروه‌هایی مانند شما هستند.

الدَّرْسُ الثَّالِثُ

درس سوم

عَجَائِبُ الْمَخْلُوقَاتِ

شگفتی های آفریده شده ها

تَفَكَّرُوا فِي الْخَلْقِ وَلَا تَفَكَّرُوا فِي الْخَالِقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
در آفرینش بیاندهشید و در آفریننده نیاندهشید

مَنْ يَتَفَكَّرُ فِي خَلْقِ اللَّهِ، يُشَاهِدُ قُدْرَةَ اللَّهِ.

هرکس در آفرینش خدا بیاندهشید، قدرت خدا را مشاهده می کند

الطَّائِرُ الطَّنَانُ: مرغ مگس



هُوَ أَصْغَرُ طَائِرٍ عَلَى الْأَرْضِ، طَوْلُهُ خَمْسَةُ سَنْتِيْمَتَاتٍ،
آن کوچک ترین پرنده بر روی زمین است، طولش پنج سانتیمتر است
يَطِيرُ إِلَى الْأَعْلَى وَالْأَسْفَلِ، وَ إِلَى الْيَمِينِ وَالشَّمَالِ، وَ
به بالا و پایین و به راست و چپ و په چلو و پیشه پرواز می کند
إِلَى الْأَمَامِ وَالْخَلْفِ. وَ انْطِلاقَهُ وَ تَوَقُّفَهُ السَّرِيعَانِ

وَ به حَرَكَتِ دِرْأَمْدِنِ وَ از حَرَكَتِ اِسْتِدَانِ سَرِيعِشَانِ
یثیران التعجب. سَمِي طَّنَانًا؛ لِأَنَّهُ يَحْدُثُ طِينًا
تعجب را بر می انگیزاند. طنان نامیده می شود؛ زیرا به دلیل
بَسَبِ سُرْعَةِ حَرَكَةِ جَنَاحَيْهِ، فَإِنْ نَحَاوَلُ رُؤْيَةَ

سرعت حرکت بال هایش صدایی ایجاد می کند، پس اگر برای دیدن بال هایش تلاش بکنی نمی توانی
جَنَاحَيْهِ لَا تَقْدِرُ، أ تَدْرِي لِمَاذَا؟ لِأَنَّهُ يُحَرِّكُ جَنَاحَيْهِ ثَمَانِينَ مَرَّةً تَقْرِيْبًا فِي الثَّانِيَةِ الْوَاحِدَةِ.
آیا می دانی چرا؟ زیرا او بال هایش را تقریباً هشتاد مرتبه در یک ثانیه حرکت می دهد



الْتَّمَسَا حُ: تمساح

لَهُ طَرِيقَةٌ غَرِيبَةٌ فِي تَنْظِيفِ أَسْنَانِهِ، فَبَعْدَ
شیوه ی عجیبی در تمیز کردن دندانهایش دارد، بعد از
أَنْ يَتَنَاوَلَ طَعَامَهُ، يَسْتَرِيحُ عَلَى الشَّاطِئِ،
اینکه خوراکش را بخورد، بر ساحل استراحت می کند
فَيَقْتَرِبُ مِنْهُ نَوْعٌ مِنَ الطُّيُورِ بِاسْمِ الرِّقْزَاقِ،
، سپس نوعی از پرندگان به نام مرغ باران به او نزدیک می شود

فَيَفْتَحُ التَّمَسَا حُ فَمَهُ، فَيَدْخُلُ ذَلِكَ الطَّائِرُ فِيهِ، وَ يَبْدَأُ بِنَقْرِ بَقَايَا الطَّعَامِ مِنْ فَمِهِ، وَ بَعْدَ
تمساح دهانش را باز می کند سپس آن پرنده در آن داخل می شود، و شروع به نوک زدنِ باقی مانده های
أَنْ يَنْتَهِيَ مِنْ عَمَلِهِ، يَخْرُجُ بِسَلَامَةٍ.

غذا از دهانش می کند و بعد از اینکه کارش به پایان برسد سلامت خارج می شود



السَّمَكُ الطَّائِرُ:

ماهی پرنده

نوعٌ مِنَ الْأَسْمَاكِ يَفْزُ مِنْ الْمَاءِ بِحَرَكَةٍ مِنْ ذِيهِ
نوعی از ماهی هاست که با حرکتی از دم قویش می پرد
القوي وَ يَطِيرُ فَوْقَ سَطْحِ الْمَاءِ، حَيْثُ يَمُدُّ زَعَانِفَهُ
و بالای سطح آب پرواز می کند، تا جاییکه باله های بزرگش
الْكَبِيرَةَ الَّتِي تَعْمَلُ كَجَنَاحَيْنِ. يَفْعَلُ ذَلِكَ لِلْفِرَارِ مِنْ
را که مانند دو بال عمل می کنند را می کشد. آن را بخاطر فرار

أعداءه. يَطِيرُ هَذَا السَّمَكُ خَمْسًا وَ أَرْبَعِينَ ثَانِيَةً، ثُمَّ يَنْزِلُ إِلَى الْمَاءِ وَ يَدْخُلُ فِيهِ.
از دشمنانش انجام می دهد. این ماهی چهل و پنج ثانیه پرواز می کند، سپس به سوی آب فرود می آید و در آن داخل می شود

نَقَّارُ الْخَشَبِ: دارکوب



طَائِرٌ يَنْقُرُ جُدْعَ الشَّجَرَةِ بِمِنْقَارِهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي الثَّانِيَةِ عَلَى
پرنده ای است که با منقارش تنه ی درخت را حداقل ده مرتبه در ثانیه نوک
الأقل، وَ هَذِهِ السَّرْعَةُ لَا تَضُرُّ دِمَاغَهُ الصَّغِيرَ بِسَبَبِ وُجُودِ
می زند، و این سرعت به مغز کوچکش به سبب وجود دو عضو
عُضْوَيْنِ فِي رَأْسِهِ لِدَفْعِ الضَّرَبَاتِ:

در سرش برای دفع کردن ضربه ها ضرر نمی زند

الأوَّلُ نَسِيجٌ بَيْنَ الْجُمُجُمَةِ وَ الْمِنْقَارِ، وَ الثَّانِي لِسَانُ الطَّائِرِ الَّذِي يَدُورُ دَاخِلَ جُمُجُمَتِهِ.

اول بافتی میان جمجمه و منقار است، و دوم زبان پرنده است که درون جمجمه اش می چرخد

السَّنَجَابُ الطَّائِرُ: سنجاب پرنده



لَهُ غِشَاءٌ خَاصٌّ كَالْمِظَلَّةِ يَفْتَحُهُ حِينَ يَقْفُزُ مِنْ شَجَرَةٍ
پرنده ی خاصی مانند چتر دارد که آن را هنگامی که از درختی
إِلَى شَجَرَةٍ أُخْرَى،
به درخت دیگری می پرد باز می کند

وَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَطِيرَ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةٍ وَ خَمْسِينَ قَدَمًا فِي
و می تواند که بیش از صد و پنجاه گام در یک پرش پرواز بکند
قَفْزَةٍ وَاحِدَةٍ.

حَيَّةُ الصَّحْرَاءِ:

مار صحرا

فِي مُنْتَصَفِ النَّهَارِ وَ عِنْدَمَا تَحْرِقُ الرَّمَالُ أَقْدَامَ مَنْ يَسِيرُ
در نیمه ی روز و هنگامی که ماسه ها از شدت گرما پاهای
عَلَيْهَا مِنْ شِدَّةِ الْحَرِّ، تَضَعُ هَذِهِ الْحَيَّةُ ذَنَبَهَا فِي الرَّمْلِ،
کسی را که بر آنها حرکت می کند را می سوزاند، این مار دمش را
ثُمَّ تَقِفُ كَالْعَصَا. فَإِذَا وَقَفَ طَيْرٌ عَلَيْهَا تَصِيدُهُ.

در ماسه قرار می دهد، سپس مانند عصا می ایستد پس اگر پرنده ای

بر آن بایستد (ایستاد) آن را شکار می کند



مِظَلَّةٌ : چتر مُنْتَصِفٌ : نیمه نَسِيحٌ : بافت (بافت پیوندی) نَقَارُ الخَشَبِ : دارکوب يُنْقُرُ : نوک می زند، کلیک می کند (ماضی: نَقَرَ) يُحَدِّثُ : پدید می آورد (ماضی: أَحَدَّثَ) يَسْتَرِيحُ : استراحت می کند (ماضی: اسْتَرَاخَ) يَطِيرُ : پرواز می کند (ماضی: طَارَ) يُنْتَهِي : به پایان می رسد (ماضی: انْتَهَى)	زَعَانِفٌ : باله های ماهی «مفرد: زَعْنَفَةٌ» رَقَزَاقٌ : مرغ باران شِمَالٌ : چپ = يَسَارٌ ، ≠ يَمِينٌ طَنَانٌ، الطَّائِرُ الطَّنَانُ : مرغ مگس طَنِينٌ : صدای زنگ، بال پرنده و مانند آن غِشَاءٌ : پرده، پوشش جانوران و گیاهان مانند پوست و پر فَمٌ : دهان «جمع: أَفْوَاهٌ» قَفْرَةٌ : پرش لا تَفَكَّرُوا = لا تَتَفَكَّرُوا (حرف ت برای آسانی تلفظ حذف شده است). ما مِنْ : هیچ نیست «ما مِنْ دَابَّةٍ» هیچ جنبنده ای نیست»	أَسْفَلٌ : پایین، پایین تر ≠ أَعْلَى انْطِلَاقٌ : به حرکت درآمدن (انْطَلَقَ، يَنْطَلِقُ) تَحْرُقُ : می سوزاند (ماضی: حَرَقَ) تَدْرِي : می دانی (دَرَى، يَدْرِي) دَرَى = عَلِمَ تَصِيدُ : شکار می کند (ماضی: صَادَ) تَتَفَكَّرُ : اندیشید (مضارع: يَتَفَكَّرُ) جُدْعٌ : تنه «جمع: جُدُوعٌ» جَنَاحٌ : بال «جمع: أَجْنِحَةٌ» جَنَاحِيهِ : دو بال او حَيَّةٌ : مار «جمع: حَيَّاتٌ» دِمَاغٌ : مغز ذَيْلٌ : دم «جمع: أَذْيَالٌ» = ذَنَبٌ رِمَالٌ : ماسه ها «مفرد: رَمَلٌ»
---	---	---

صَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.
در جای خالی کلمه ی مناسب بر حسب متن درس قرار بده

- ۱- بِمَ يَطِيرُ السَّنَجَابُ الطَّائِرُ حِينَ يَقْفُزُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ؟ **بِغِشَاءٍ خَاصٍّ كَالْمِظَلَّةِ...**
سنجاب پرنده با چه چیزی پرواز می کند هنگامی که از درختی به درخت دیگری می پرد؟
الرَّقَزَاقُ
- ۲- أَيُّ طَائِرٍ يُسَاعِدُ التَّمْسَاحَ فِي تَنْظِيفِ أَسْنَانِهِ؟
کدام پرنده تمساح را در تمیز کردن دندان هایش کمک می کند؟
- ۳- لِمَاذَا سُمِّيَ الطَّائِرُ الطَّنَانُ بِهَذَا الْاسْمِ؟
چرا مرغ مگس به این اسم نامیده شده است؟
- ۴- مَتَى تَصِيدُ حَيَّةُ الصَّحْرَاءِ الطَّيْرَ؟
کی مار صحرا پرنده را شکار می کند؟
- ۵- كَمَ ثَانِيَةً يَطِيرُ السَّمَكُ الطَّائِرُ؟
ماهی پرنده چند ثانیه پرواز می کند؟
- ۶- مَا هُوَ أَصْغَرُ طَائِرٍ عَلَى الْأَرْضِ؟
کوچکترین پرنده بر روی زمین چیست؟

فعل شرط و جواب شرط یا هردو مضارع یا ماضی یا فعل شرط مضارع و جواب شرط ماضی یا امر یا نهی یا مستقبل یا جمله اسمیه است
 اگر جواب شرط امر یا نهی یا مستقبل یا جمله ی اسمیه باشد حتماً روی آن حرف (ف) می آید
 إِنَّ تُشَاهِدَ أَبَاكَ فَاحْتَرِمَهُ



أُسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ أَدَوَاتُهُ

■ مهم ترین ادوات شرط عبارت اند از: «مَنْ، مَا و إِنَّ» معمولاً این ادوات بر سر عبارتی

می آیند که دو فعل دارد، فعل اول، فعل شرط و فعل دوم، جواب شرط نام دارد.

این ادوات در معنای فعل و جواب شرط تغییراتی را ایجاد می کنند؛ مثال:

مَنْ يُفَكِّرْ قَبْلَ الْكَلَامِ يَسْلَمْ مِنَ الْخَطَا غَالِباً.

ادوات شرط فعل شرط جواب شرط

فعل شرط را به صورت مضارع التزامی و جواب شرط را به صورت مضارع اخباری ترجمه می کنیم. مانند: مثال بالا

■ گاهی نیز جواب شرط به صورت جمله اسمیه است؛ مثال:

﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ اَطْلَاق: ۳

ادوات شرط فعل شرط جواب شرط

■ وقتی ادوات شرط بر سر جمله ای بیاید که فعل شرط و جواب آن ماضی باشد،

می توانیم فعل شرط را مضارع التزامی و جواب آن را مضارع اخباری ترجمه کنیم.

البته ترجمه ی فعل شرط و جواب شرطی که هردو ماضی باشند ، به صورت همان ماضی هم صحیح است
 مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ الْكَلَامِ، قَلَّ خَطْوُهُ.

هرکس پیش از سخن گفتن بیندیشد، خطایش کم می شود.

مضارع التزامی مضارع اخباری

هرکس پیش از سخن گفتن اندیشید، خطایش کم شد.

ماضی ماضی



■ و هرگاه فعل شرط مضارع باشد، به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.
و اگر جواب شرط مضارع باشد آن را به مضارع اخباری ترجمه می‌شود

■ «مَنْ: هرکس» مثال:



مَنْ يُحَاوِلْ كَثِيرًا، يَصِلْ إِلَى هَدَفِهِ.

هرکس بسیار تلاش کند، به هدفش می‌رسد.

■ «مَا: هرچه» مثال:



مَا تَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا، تَحْصُدُ فِي الْآخِرَةِ.

هرچه در دنیا بکاری، در آخرت درو می‌کنی.

مَا فَعَلْتَ مِنَ الْخَيْرَاتِ، وَجَدْتَهَا دَخِيرَةً لِآخِرَتِكَ.

هرچه از کارهای نیک انجام بدهی، آنها را اندوخته‌ای برای آخرت می‌یابی.
انجام دادی

■ «إِنْ: اگر» مثال:



إِنْ تَزْرَعُ خَيْرًا، تَحْصُدُ سُورًا.

اگر نیکی بکاری، شادی درو می‌کنی.

إِنْ صَبَرْتَ، حَصَلَتْ عَلَيَّ النَّجَاحُ فِي حَيَاتِكَ.

اگر صبر کنی، در زندگی‌ات موفقیت به دست می‌آوری.
کردی



انواع مَنْ و ما در زبان عربی: الف) مَنْ و ما استفهامی (پرسشی): مَنْ أَنْتَ؟ تو کیستی // ما هذا؟ این چیست
ب) مَنْ و ما موصولی (وصل کننده) که به معنای کسی که و چیزی که هستند و معمولاً در وسط جمله می‌آیند

■ «إِذَا: هرگاه، اگر»: نیز معنای شرط دارد؛ مثال:



إِذَا اجْتَهَدْتَ، نَجَحْتَ.

هرگاه (اگر) تلاش کنی، موفق می‌شوی.
موفق شدی

مانند: هُوَ مَنْ نَجَحَ فِي الْإِمْتِحَانِ: او کسی است که در امتحان موفق شد // عَلِمَ الطَّالِبُ مَا لَا يَعْلَمُ: به دانش آموز چیزی را که نمی‌داند یاد بده
ج) ما منفی کننده ی فعل ماضی: که برای منفی کردن ماضی می‌آید: ما خَرَجْتُ: خارج نشدم

اگر بعد از فعل شرط یا جواب شرط حرف «و» بیاید و بعد از «و» یک فعل بیاید آن فعل را مانند فعل شرط یا جواب شرط قبل از آن ترجمه می کنیم



اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ، ثُمَّ عَيِّنْ أَدَاةَ الشَّرْطِ وَ فَعَلَ الشَّرْطِ، وَ جَوَابَهُ.

خودت را آزمایش کن: آیات را ترجمه کن، سپس ادات شرط و فعل شرط و جواب شرط را معین کن

۱ ﴿وَمَا تَقْدِمُوا^۱ لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾ الْبَقَرَة: ۱۱۰
ادات شرط → فعل شرط → جواب شرط

هرآنچه از خیر برای خودتان از پیش بفرستید آن را نزد خدا می یابید

۲ ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ^۱ وَيُثَبِّتْ^۲ أَقْدَامَكُمْ﴾ مُحَمَّد: ۷
ادات شرط → فعل شرط → جواب شرط

اگر خدا را یاری کنید خدا شما را یاری می کند و قدم هایتان را استوار می سازد

۳ ﴿وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا^۴﴾ الْفُرْقَان: ۶۳
ادات شرط → فعل شرط → جواب شرط

و هرگاه افراد نادان آنها را خطاب بکنند سخن آرام می گویند
کردند گفتند



۱- ما تقدّموا: هرچه را از پیش بفرستید ۲- يُثَبِّتْ: استوار می سازد ۳- خَاطَبَ: خطاب کرد ۴- سَلَامًا: سخن آرام

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

جواز
(في المَلْعَبِ الرِّياضي)

إبراهيم	دروزشگاه	إسماعيل
لِمُشَاهَدَةِ أَيِّ مُبَارَاةٍ؟ ^١ برای دیدن چه مسابقه‌ای؟	تَعَالَ نَذْهَبْ إِلَى الْمَلْعَبِ. بیا به ورزشگاه برویم	تَعَالَ نَذْهَبْ إِلَى الْمَلْعَبِ. بیا به ورزشگاه برویم
لِمُشَاهَدَةِ مُبَارَاةِ كُرَةِ الْقَدَمِ. برای دیدن مسابقه ی فوتبال	بَيْنَ مَنْ هَذِهِ الْمُبَارَاةِ؟ این مسابقه بین کیست؟	بَيْنَ فَرِيقِ الصَّدَاقَةِ وَ السَّعَادَةِ. بین فریق الصدّاقه و سعادت؟
دو تیم دو هفته قبل مساوی شدند؟	أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَقْوَى؟ کدام یک از دو تیم قوی تر است؟	أَتَذَكَّرُ؟ ^٢ ذَلِكَ أَنْ رَأَيْتُهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَ الْفَرِيقَانِ تَعَادُلًا قَبْلَ أُسْبُوعَيْنِ. هر دو ی آنها قوی هستند رفتن به ورزشگاه قبل از اینکه
عَلَى عَيْنِي. تَعَالَ نَذْهَبْ. به روی چشمم. بیا برویم	كِلَاهُمَا قَوِيَانِ. عَلَيْنَا بِالذَّهَابِ إِلَى الْمَلْعَبِ قَبْلَ أَنْ يَمْتَلِئَ مِنَ الْمُتَفَرِّجِينَ. ^٣ از تماشاچیان پر شود	كِلَاهُمَا قَوِيَانِ. عَلَيْنَا بِالذَّهَابِ إِلَى الْمَلْعَبِ قَبْلَ أَنْ يَمْتَلِئَ مِنَ الْمُتَفَرِّجِينَ. ^٣
في المَلْعَبِ در ورزشگاه		
هُوَ هَجَمَ عَلَيَّ مَرَّةً ^٤ فَرِيقِ السَّعَادَةِ. او بر دروازه‌ی تیم سعادت هجوم برد	سَيُسَجَّلُ هَدَفًا ^٥ . گلی را به ثبت خواهد رساند	نَظَرُ! جَاءَ أَحَدُ مَهَاجِمِي فَرِيقِ الصَّدَاقَةِ. نگاه کن؛ یکی از مهاجمان تیم صدّاقه آمد
چَهَ بَسَا بِه خَاطِرُ أَفْسَايِدَ؟ رُبَّمَا بِسَبَبِ تَسَلُّلِ ^٦ .	أَمَّا دَاوِرُ كَلِّ رَا قَبُولِ نَكَرَدَ؟ چَرَا؟ لَكِنَّ الْحَكَمَ ^٧ مَا قَبِلَ الْهَدَفَ؛ لِمَاذَا؟! اما داور گل را قبول نکرد؟ چرا؟ لیکن حکم ما قبل هدف؛ لماذا؟!	نَظَرُ! هَجَمَةُ قَوِيَّةٌ مِنْ جَانِبِ لَاعِبِ فَرِيقِ الصَّدَاقَةِ. نگاه کن، حمله‌ی قوی از جانب بازیکن تیم صدّاقه
أَيُّ حَارِسِ مَرْمَى ^٨ فَرِيقِ السَّعَادَةِ! يُعْجِبُنِي جِدًّا حَارِسُ مَرْمَى ^٩ فَرِيقِ السَّعَادَةِ! هرکس گلی به کمر برساند به نهایی می رود	مَنْ يَسْجَلُ هَدَفًا يَذْهَبُ إِلَى النِّهَائِيِّ. مَنْ يَذْهَبُ إِلَى النِّهَائِيِّ؟ چه کسی به نهایی (فینال) می رود؟	أَيُّ حَارِسِ مَرْمَى ^٨ فَرِيقِ السَّعَادَةِ! يُعْجِبُنِي جِدًّا حَارِسُ مَرْمَى ^٩ فَرِيقِ السَّعَادَةِ!
بَارِ دَوْمَ بَدُونِ كَلِّ مَسَاوِي شَدَهْ اَنْدَ لَقَدْ تَعَادَلَا مَرَّةً ثَانِيَةً بِلَا هَدَفِ. بار دوم بدون گل مساوی شده اند	الْحَكَمُ يَصْفِرُ. دَاوِرُ سَوْتِ مِي زَنْدَ	لَقَدْ تَعَادَلَا مَرَّةً ثَانِيَةً بِلَا هَدَفِ.



- ١- الْمُبَارَاةُ: مَسَابِقَه
- ٢- تَعَادَلٌ: بَرَابَر شَد
- ٣- أَتَذَكَّرُ: بَه يَادِ مِي أَوْرَم
- ٤- كِلَا: هَر دَو
- ٥- أَنْ يَمْتَلِئَ: كَه پَر شَوَد
- ٦- الْمُتَفَرِّجُ: تَمَاشَاچِي
- ٧- سَيُسَجَّلُ: ثَبِت خَوَاهَد كَرَد
- ٨- الْهَدَفُ: كُلُّ
- ٩- الْمَرْمَى: دَرَوَازَه
- ١٠- الْحَكَمُ: دَاوِر
- ١١- التَّسَلُّلُ: أَفْسَايِد
- ١٢- يُعْجِبُنِي: مَرَا دَر شَكْفَتِ مِي أَوْرَدَ، خَوَشَمِ مِي آيَد (أَعْجَبْتُ، يُعْجِبُ)
- ١٣- حَارِسُ الْمَرْمَى: دَرَوَازَه بَان

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

تمرین اول: کدام کلمه از کلمات واژگان درس متناسب با توضیحات زیر است

۱- أَدَاةٌ لِحِفْظِ الْإِنْسَانِ أَمَامَ أَشْعَةِ الشَّمْسِ أَوْ نُزُولِ الْمَطَرِ أَوْ التَّلْجِ: المُظَلَّة

ابزاری برای حفظ انسان در برابر اشعه ی خورشید یا بارش باران یا برف

۲- طَائِرٌ يَنْقُرُ جُذُوعَ الْأَشْجَارِ وَ يَصْنَعُ عُشًّا فِيهَا: نَقَارُ الْخَشَبِ

پرنده ای که تنه های درختان را نوک می زند و لانه ای در آن می سازد

۳- تُرَابٌ جَنَبَ شَاطِئِ الْبَحْرِ أَوْ فِي الصَّحْرَاءِ. الرَّمْل

خاکی در کنار ساحل دریا یا در بیابان

۴- حَيَوَانٌ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ: الحَيَّة

حیوانی که بر روی شکمش راه می رود

۵- عُضْوٌ يَطِيرُ بِهِ الطَّائِرُ: الْجَنَاح

عضوی که پرنده با آن پرواز می کند

التَّمْرِينُ الثَّانِي:

تمرین دوم

أ: تَرَجِّمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ. عِبَارَاتُ هَايْ پِيْشِ رُو رَا تَرْجَمِه كِن، سِيسْ نَقْشْ كَلِمَاتِي كِه زِيْرْشَانْ خَطْ كَشِيْدِه شَدِه اسْت رَا مَشْخَصْ كِن

۱- تَسْقُطُ أَسْنَانُ سَمَكِ الْقَرَشِ دَائِمًا وَ تَنْمُو أَسْنَانُ جَدِيدَةً مَكَانَهَا. وَ فِي بَعْضِ أَنْوَاعِهِ تَنْمُو

صفت 2

فاعل 1

مفردش: أَلْف

آلَفُ الْأَسْنَانِ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ. مفردش: سِن

دندان های کوسه ماهی همیشه می افتد و دندان های جدیدی به جایشان می روید. و در برخی از انواعش

هزاران دندان در یک سال رشد می کند

دو اسم ال دار یا تنوین دار که علامت انتهایشان مثل هم باشد به اولی آنها موصوف و به دومی

صفت گفته می شود



(1) فاعل اسمی که بعد از فعل می آید و علامت انتهایش - یا - یا «ان» یا «ون» می آید

۱- أَلْبَطْنُ: شَكْم

حروف جر در زبان عربی: بِ - ك - ل - اِلَى - عَلَى - مِنْ - عَنِ - فِي - فِي

به - بسوی
مثل برای
بر روی
از
از
در

به اسم بعد از حروف جر، مجرور بحرف جر گفته می شود و به هردو باهم جار و مجرور گفته می شود

۲- يُعَدُّ^۱ الْحَوْتَ^۲ الْأَزْرَقُ^۳ أَكْبَرَ الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ فِي الْعَالَمِ. يَبْلُغُ طَوْلَهُ ثَلَاثِينَ مِثْرًا وَ وَزْنُهُ

مجرور بحرف جر

صفت

مَثَّةً وَ سَبْعِينَ طُنًّا^۳ تَقْرِيْبًا.

نهنگ آبی بزرگترین موجودات زنده در جهان به شمار می رود. طولش سی متر و وزنش

تقریباً صد و هفتاد تن می رسد



۳- التَّمْسَاحُ لَا يَبْكِي عِنْدَ أَكْلِ فَرِيْسَتِهِ^۴، بَلْ عِنْدَمَا يَأْكُلُ فَرِيْسَةً أَكْبَرَ مِنْ فَمِهِ، تُفْرِزُ عِيُونُهُ

مفعول^۲

مبتدا^۱

سَائِلًا كَأَنَّهُ دُمُوعٌ.

مفعول

تمساح هنگام خوردنِ طعمه اش گریه نمی کند، بلکه هنگامی که طعمه ای بزرگتر از دهانش را می خورد

چشمانش مایعی ترشح می کند گویا آن اشک است

(۲) مفعول اسمی که بعد از فعل و فاعل بیاید و علامت

انتهایش - یا - یا «ین» یا «ین» می آید

(۱) مبتدا اسمی که در اول جمله ی اسمیه بیاید



۴- الْفَرِيْسَةُ: شکار، طعمه

۳- الطَّنُّ: تن

۲- الْحَوْتُ: نهنگ

۱- يُعَدُّ: به شمار می رود

٤- لَهْجَاتُ نَوْعٍ وَاحِدٍ مِنَ الطُّيُورِ تَخْتَلِفُ مِنْ مَنطِقَةٍ إِلَى مَنطِقَةٍ أُخْرَى.
 مجرور بحرف جر
 لهجه های یک نوع از پرندگان از منطقه ای به منطقه ی دیگر متفاوت است



٥- يُقَدِّرُ الْعُلَمَاءُ أَنْوَاعَ الكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ فِي بَحَارِ الْعَالَمِ بِأَلْمَلَايِينِ ١. (يُقَدِّرُ: برآورد می کنند)
 فاعل
 دانشمندان انواع موجودات زنده در دریاهاى جهان را میلیون ها برآورد می کنند



١) مضاف اليه: اسمی که انتهایش - یا - یا
 ين یا ين بیاید و قبل از آن یک اسم
 بدون ال و بدون تنوین بیاید

ب: عَيَّنَ الْفِعْلَ الْمُتَعَدِّيَّ مِنْ هَذِهِ الْأَفْعَالِ الَّتِي جَاءَتْ فِي الْجُمْلِ السَّابِقَةِ:
 ب: فَعْلٌ مُتَعَدٍ رَا مِنْ أَيْنِ فَعْلٌ هَائِي كِه دَر جَمَلِه هَائِ گِذْشْتِه آمْدِه اسْت رَا مَعْيِن كِن
 تَسْقُطُ / يَأْكُلُ / تَخْتَلِفُ / يُقَدِّرُ
 لازم متعدي لازم متعدي

٢- أَلْمَلَايِين: مِيلْيُون هَا

١- لَهْجَات: لَهْجِه هَا

متعدي: فعلى كه به فاعل و مفعول نیاز دارد. به عبارت دیگر معنایش با فاعل و مفعول کامل می گردد

٤١

لازم: فعلى كه فقط به فاعل نیاز دارد. به عبارت دیگر معنایش با فاعل کامل می شود



التمرين الثالث: ضع المترادفات و المتضادات في مكانها المناسب. = ≠

تمرین سوم: مترادف ها و متضادها را در جای مناسبش بگذار

- أ. الأعداء / الأحياء / الشمال / الابتعاد / الأعلى / تكلم / ينفع / يعلم / يبكي
 دشمنی زندگان چپ دور شدن بالاتر- بالاترین سخن گفت سود می برد می داند گریه می کند
- ب. المباراة / تذكر / أدري / يبتدي / اليمين / الصديق / القاعة / القيام / السيئ
 مسابقه به یاد آورد می دانم شروع می شود راست دوست سالن برپا داشتن بدی

ب.	أ.
يَنْتَهِي ≠ يَبْتَدِيء به پایان می رسد	يَدْرِي = يَعْلَمُ می داند
المُبَارَاة = المُسَابَقَة مسابقه	يَضْحَكُ ≠ يَبْكِي می خندد
تَذَكَّرُ ≠ نَسِيَ فراموش کرد	يَضُرُّ ≠ يَنْفَعُ ضرر می زند
الْيَمِين = الشَّمَالُ ≠ الْيَمِين چپ	الْيَسَار = الْيَمِين چپ
أَدْرِي = أَعْلَمُ می دانم	الْأَمْوَاتُ ≠ الْأَحْيَاءُ مردگان
السَّيِّئُ ≠ الْحَسَنُ خوبی	الْصَّدَاقَة ≠ الْعَدَاوَة دوستی
الْصَّدِيقُ ≠ الْعَدُوُّ دشمن	التَّقَرُّبُ ≠ الْإِبْتِعَادُ فزدیک شدن
القَاعَة = الصَّالَة سالن	الْأَسْفَلُ ≠ الْأَعْلَى پایین تر- پایین ترین
الْجُلُوسُ ≠ الْقِيَامُ نشستن	سَكَتٌ ≠ تَكَلَّمَ سکوت کرد



التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: أَكْمِلْ تَرْجَمَةَ آيَاتِ وَ الْحَدِيثِ، ثُمَّ عَيِّنْ أَدَاةَ الشَّرْطِ وَ فِعْلَ الشَّرْطِ، وَ جَوَابَهُ. تمرین چهارم: ترجمه ی آیه ها و حدیث را کامل کن، سپس ادات شرط و فعل شرط و جوابش را معین کن

۱- ﴿وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ﴾ الْبَقَرَة: ۱۹۷
ادات شرط فعل شرط جَوَاب شرط

و هرچه را از کار نیک انجام بدهید ، خدا آن را می داند. (از آن آگاه است).

۲- ﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ﴾ الْإِسْرَاء: ۷
ادات شرط فعل شرط جواب شرط

اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می کنید .

۳- ﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾ الْأَنْفَال: ۲۹
ادات شرط فعل شرط جواب شرط

اگر از خدا پروا کنید، برایتان نیروی تشخیص حق از باطل قرار می دهد .

۴- مَنْ سَأَلَ فِي صِغَرِهِ، أَجَابَ فِي كِبَرِهِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
ادات شرط فعل شرط جواب شرط

هرکس در خردسالی اش بپرسد، در بزرگسالی اش جواب می دهد .

۵- مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ، حَصَدَ الْخُسْرَانَ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
ادات شرط فعل شرط جواب شرط

هرکس دشمنی بکارد، زیان درو می کند .

هرکس دشمنی کاشت، زیان درو کرد .



التمرینُ الخامسُ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ فِي الْجُمَلِ التَّالِيَةِ؛ ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَهَا وَصِيغَتَهَا.
 تمرین پنجم: فعل‌ها در جمله‌های پیش رو را ترجمه کن؛ سپس نوع آنها و شخصشان را معین کن

الترجمة الفارسية	الجملة العربية
بر روی اثر تاریخی ننویس	لا تَكْتُبْ عَلَى الْأَثَرِ التَّارِيخِيِّ. ١
دو تیم بار دوم مساوی شدند	الْفَرِيقَانِ يَتَعَادَلَانِ مَرَّةً ثَانِيَةً. ٢
ورزشگاه از تماشاچیان پر شد	إِمْتَلَأَ الْمَلْعَبُ بِالْمُتَفَرِّجِينَ. ٣
لطفاً قبل از سخن گفتن فکر کنید	رَجَاءً، فَكِّرُوا قَبْلَ الْكَلَامِ. ٤
قطعا من دو گل به ثبت رساندم	إِنِّي سَجَّلْتُ هَدَفَيْنِ. ٥

صيغة الفعل	نوع الفعل
دوم شخص مفرد مذکر	نهي ١
سوم شخص مثنای مذکر	مضارع ٢
سوم شخص مفرد مذکر	ماضي ٣
دوم شخص جمع مذکر	امر ٤
اول شخص مفرد	ماضي ٥